



# معرفی کتاب

## منشور سعادات

منشور سعادات (ج ۲)، فیض الحق الحسینی الحسینی، شیکاگو،  
The open school، ۱۴۲۳ هـ.

۱۸۸)، پوربهای جامی (ص ۱۹۸)، مولانا حسینی معمای  
(ص ۱۸۹)، مولانا شرف‌الدین علی یزدی (ص ۱۹۵)، مولانا  
محمد شیرین مغربی (ص ۲۲۷)، شیخ شمس‌الدین محمد  
لاهیجی (ص ۲۴۴)، مولانا قاسم رازی (ص ۲۴۳)، شیخ  
محمود شبستری (ص ۴۷) و... به چشم می‌خورد. استاد  
جلالی در پیشگفتار خود بر این اثر با بهره‌گیری از  
نوشته‌های مؤلف، او را دوستدار و علاقه‌مند به خاندان پیامبر  
(ص) معرفی می‌کند و به برخی از منابع مورد استفاده او،  
همچون: تذکرة الشعراء دولت‌شاه سمرقندی، اسکندرنامه،  
خسرو و شیرین، گلشن‌راز، مخزن الاسرار و... اشاره می‌نماید.

### شرح الصحیفة السجادية

این اثر شرحی است بر صحیفة سجادية امام چهارم  
شیعیان حضرت سجّاد (ع). استاد سید محمد حسین  
حسینی جلالی در این شرح که شرحی موجز و کوتاه است  
دعاهای صحیفة را تا دعای بیست و ششم که دعای آن  
حضرت در حق همسایگان و دوستان و نزدیکان است، شرح  
کرده است. در پانوش این اثر یادداشتها و مطالبی از سید  
محمد جواد حسینی جلالی نیز به چشم می‌خورد که  
بهره‌گیری از اثر را برای علاقه‌مندان دوچندان کرده است.  
این اثر در شیکاگو و از سوی مدرسه آزاد  
(The open school) منتشر شده است.

### اوصاف الاشراف

اوصاف الاشراف اثری است از دانشمند بزرگ جهان  
اسلام خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ هـ.ق) که به  
زبان فارسی در پنج باب و هر باب در چندین فصل به  
نگارش در آمده است و در آن پیرامون مباحث اخلاقی و  
سیر و سلوک عارفانه سخن گفته شده است.  
اثر حاضر برگردان این اثر به زبان عربی است که به قلم

## منشور سعادات

تالیف

فیض الحق الحسینی الحسینی

زنده سال

۹۸۳ هجری قمری

بیشگفتار

محمد حسین الحسینی الجلالی

۱۴۲۳

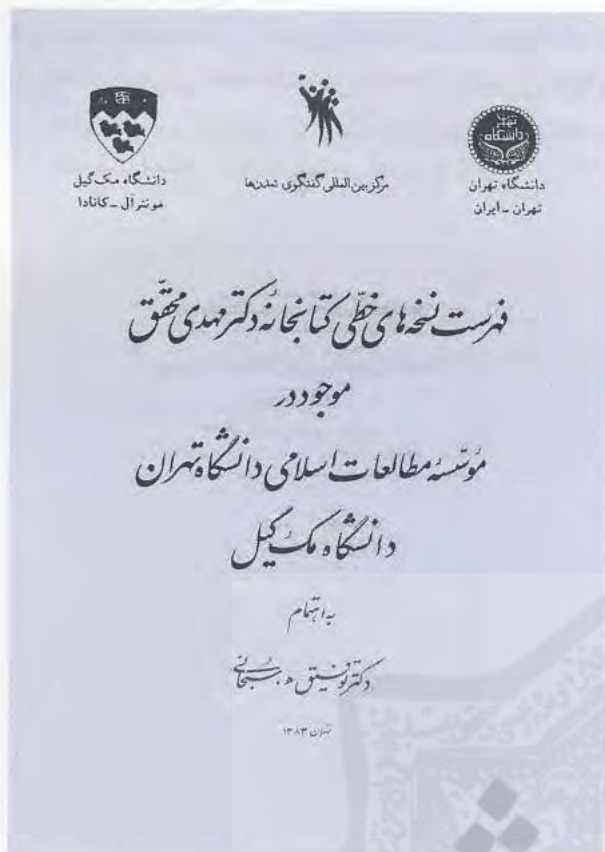


The Open School  
P.O. BOX 53373  
CHICAGO, IL 60653-0373

منشور سعادات اثری است از فیض‌الحق حسینی  
حسینی (زنده به سال ۹۸۳ هـ.ق) که در آن شرح حال و  
منتخباتی از اشعار شاعران پارسی‌گو و آگاهیهای قابل  
ملاحظه‌ای از شاعران عصر صفوی گرد آمده است. با نگاهی  
گذرا به این اثر که به صورت عکسی - و یا به عبارت بهتر به  
صورت زیراکس - و به کوشش و با پیشگفتار کوتاهی از استاد  
محمد حسین حسینی جلالی در شیکاگو منتشر شده است،  
شرح حال شاعران و عارفان و سخن سرایانی چون: مولانا  
جلال‌الدین رومی (ص ۳۰)، شیخ مصلح‌الدین سعدی (ص  
۴۸)، مولانا عبدالرحمان جامی (ص ۱۴۸)، امیرعلیشیر نوایی  
(ص ۱۶۴) همام تبریزی (ص ۱۸۶)، عبدالواسع جبلی (ص







استاد مرحوم محمد خلیلی و با مقدمه و تحقیق سید محمد علی حیدری حسنی، از سوی مدرسه آزاد (The open school) در شیکاگو منتشر شده است.

در مقدمه این اثر مطالبی درباره موضوع کتاب اوصاف الاشراف و قوای چهارگانه نفسانی و نیز شرح حال کوتاهی از خواجه به قلم دکتر یحیی خشاب و بررسی زندگی و آثار خواجه و روش تحقیق گردآمده است. پس از این مقدمه، مقدمه‌ای نیز از مترجم اثر به چشم می‌خورد که در آن به بهره‌گیری از چاپ برلین اوصاف الاشراف در سال ۱۳۰۶ ش. - که به تصحیح حاج سید نصرالله تقوی صورت گرفته - به عنوان مبنای ترجمه اشاره شده است.

### اللفظ المعنوی فی تعریب المثنوی

در این اثر هجده بیت آغازین مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی به عربی ترجمه و شرح شده است. استاد سید محمد حسین جلالی در این اثر خود، ابیات یاد شده را مقدمه‌ای جامع برای مثنوی می‌داند و از این رو به ترجمه و شرح این ابیات در این اثر بسنده کرده است. وی در بخش دیگری از این اثر با عنوان «عرفان و تصوف» مطالبی پیرامون مولانا، وقایع مهم زندگی او، نقش و جایگاه حسام‌الدین چلبی و شمس تبریزی در زندگی مولوی و مثنوی او به نگارش درآورده است و در پایان فهرستی از تلخیصات و شروح مثنوی را براساس آنچه که مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه یادآور شده، ارائه کرده و افزون بر این گزارش از دفاتر شش گانه مثنوی و شمار ابیات آنها و چاپهای مختلف آن ذکر کرده است.

این اثر از سوی مدرسه آزاد (The open school) در شیکاگو منتشر شده است و در آن تصاویری از نسخه خطی مثنوی دست‌نویس قونیه و چهره تخیلی مولانا و... نیز به چشم می‌خورد.

### فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دکتر مهدی محقق

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دکتر مهدی محقق موجود در مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران [و دانشگاه مک‌گیل، دکتر توفیق سبحانی، دانشگاه تهران و دانشگاه مک‌گیل و مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، تهران، ۱۳۸۳ خورشیدی (انتشار ۱۳۸۵)؛ شش + ۱۳۵ ص.

این فهرست شامل معرفی ۱۵۰ جلد از دست‌نویس‌های فارسی و عربی دکتر محقق است که در کتابخانه مؤسسه مطالعات اسلامی نگهداری می‌شود.

اگرچه مجموعه معرفی شده آنچنان بزرگ نیست و دست‌نویس‌های کهن و نفیس نیز کمتر در آن دیده می‌شود، اما از آنجا که بخش قابل توجهی از نسخه مربوط به موضوعات مرتبط با علوم خاص - از قبیل ریاضی، نجوم و پزشکی - است، اهمیت خاصی به مجموعه می‌بخشد؛ بخصوص که تعداد اینگونه دست‌نویس‌ها حتی در مجموعه‌های بزرگ نیز آنچنان چشمگیر نیست و نسبت این گونه آثار به دیگر دست‌نویس‌های مجموعه قابل توجه است.

فهرست‌نگاری مجموعه را دکتر توفیق سبحانی انجام داده‌اند که پیش از این - بخصوص در مورد فهرست‌نگاری دست‌نویس‌های فارسی چندین کتابخانه مهم در ترکیه - کارهای با ارزشی را از ایشان شاهد بوده‌ایم.

نسخه‌ها به ترتیب شماره آنها (از ۱ تا ۱۵۰) معرفی شده و در مورد مجموعه‌ها، ضمن اشاره به شماره اصلی، برای تک تک آثار موجود در آنها شماره‌ای فرعی اختصاص داده شده. در انتها نیز سه نمایه شامل نام کتاب، نام مؤلف و نام کاتب به فهرست افزوده شده.

گفتنی است که تاریخ چاپ کتاب همه جا سال ۱۳۸۳ ثبت شده ولی انتشار آن را در سال جاری (۱۳۸۵) خورشیدی شاهد بوده‌ایم.





## فهرست نسخه‌های خطی انستیتوی شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی فرهنگستان علوم ازبکستان (ج ۲).

به کوشش فرید قاسملو، زیر نظر عصام‌الدین اورن بایف و شاه نیاز  
موسایف، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تهران، ۱۳۸۵.



کتابخانه انستیتو شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی از  
مهم‌ترین مجموعه‌های موجود در زمینه دستنویس‌های  
اسلامی در کشور ازبکستان است و حدود ۱۸۰۰۰ مجلد  
(شامل تقریباً ۴۰۰۰۰ عنوان اثر)، عمدتاً به سه زبان  
فارسی، عربی و ترکی را شامل می‌شود که بخش مهمی از  
آن مرتبط با آثار فارسی است.

سال‌ها پیش در زمان حکومت شوروی سابق فهرستی  
یازده جلدی از ۷۵۷۴ دستنویس کتابخانه، با همکاری  
متخصصان رشته‌های مختلف تهیه و منتشر شد که از  
نمونه‌های خوب و تجربیات منحصر بفرد فهرست‌نگاری  
گروهی محسوب می‌شود، اما به این دلیل که زبان فهرست  
فارسی نیست و همچنین ضعف مراودات فرهنگی شوروی  
با دیگر کشورها و همچنین گذشتن سالیانی دراز از انتشار  
آن، عملاً این فهرست برای محققین ما بدون استفاده بوده  
است. کار با ارزشی که بخصوص پس از فروپاشی شوروی از  
سوی دفتر مطالعات سیاسی و امور بین‌الملل وزارت امور  
خارج انجام شده است، همکاری در شناسایی و  
فهرست‌برداری از مجموعه‌های موجود در کشورهای  
مشترک‌المنافع است که تاکنون شاهد انتشار چندین  
مجلد آن بوده‌ایم. از جمله کتابخانه‌هایی که بررسی آن  
جزء برنامه‌های مرکز مذکور قرار گرفت، یکی هم انستیتو

بیرونی است که به دلیل اهمیت مجموعه، استخراج  
فهرست دستنویس‌های فارسی آن آغاز شده است.

پیش از این شاهد انتشار دو مجلد از نسخه‌های خطی  
این مجموعه بوده‌ایم که هر دوی آنها جلد اول مجموعه  
محسوب شده است و اکنون شاهد انتشار جلد دوم آن  
هستیم که در حقیقت مجلد سوم محسوب می‌شود.  
آنچنانکه آقای قاسملو متذکر شده‌اند، فهرست حاضر بر  
اساس برگه‌هایی که در محل کتابخانه تهیه شده بود  
تنظیم شده و ایشان در حقیقت تدوین آن را انجام  
داده‌اند.

با توجه به اینکه تدوین فهرست حاضر از سوی آقای  
قاسملو تنها براساس برگه‌های مذکور انجام شده، طبعاً  
بدون بررسی مستقیم دستنویس‌ها صورت گرفته که  
اشتباهات ناشی از آن متوجه نویسندگان برگه‌ها است. اما  
برخی موارد هم هست که با اعمال اجتهاد قابل حل بود.  
مثلاً دستنویسی از حدیقه سنائی در نمایه سالشمار کتابت  
نسخه‌ها (ص ۲۷۱) به عنوان کهن‌ترین دستنویس  
مجموعه آورده شده که مشخصات آن در متن فهرست  
اینگونه ذکر شده: «کاتب: میرعماد، تاریخ کتابت ۵۲۶،  
خط نستعلیق...» و می‌دانیم که در سده ششم و چند سده  
پس از آن، خط نستعلیق ابداع و رایج نشده بود.

مجلد حاضر چنانکه آقای قاسملو نیز متذکر شده‌اند  
بیشتر شامل دستنویس‌های عرفانی و فلسفی است که  
البته در میانه آنها آثاری با ساختارهایی غیر از عرفان و  
فلسفه نیز دیده می‌شود. برای نمونه دستنویس‌های همان  
منظومه حدیقه الحقیقه که به دلیل ساختار موضوعی آن  
جزو آثار عرفانی محسوب شده.

شیوه تدوین فهرست بدینگونه است که آثار به ترتیب  
الفبایی تنظیم شده و هر اثر یک بار ذیل اولین دستنویس  
- که ضمناً قدیمی‌ترین دستنویس آن اثر در مجموعه است  
- از نظر متن‌شناسی معرفی می‌شود. سپس تمام  
دستنویس‌های موجود به دنبال آن آورده می‌شود.

هر اثر شماره‌ای مخصوص دارد که در سمت راست  
عنوان آن، داخل پرانتز آورده شده. در سمت چپ عنوان  
اثر شماره شناسایی نسخه و در گوشه سمت چپ هر  
نسخه، شماره مسلسل نسخه‌ها ثبت شده. لازم به ذکر  
است که شماره مورد لزوم برای درخواست نسخه، شماره  
میانی (شماره شناسایی) است.

با توجه به اینکه آگاهی ما از دستنویس‌های موجود در  
دیگر کشورها در پژوهش‌های مرتبط با متون بسیار کارگشا



مقدمه خود آورده از آثار نویسندگانی چون محمد الخدیری و فؤاد الاخوانی و به ویژه از نسخه‌های موجود شفا در کتابخانه‌های ایاصوفیا (شماره ۲۴۴۲) و جارالله (شماره ۱۴۲۴) استفاده کرده است.

### مثنوی روز و شب

سروده حکیم نزاری، به تصحیح و با مقدمه دکتر نصرالله پورجوادی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵، ۱۴۰ ص



مناظره در اصطلاح ادبی، گفتگو و مباحثه دو کس یا دو چیز در قالب نظم و یا نثر است. دو جانب مناظره، روی در روی هم می‌ایستند و درباره موضوعی به بحث و تبادل نظر می‌پردازند تا سرانجام یکی از دو جانب، با استدلالات و استنباطات خود، بر دیگری می‌چربد، و بدین ترتیب، شاعر و نویسنده، منظور و مطلوب خود را در می‌یابد. کهن‌ترین نمونه مناظره‌پردازی در تاریخ ادبیات ایران پس از اسلام را، مناظره‌های اسدی طوسی دانسته‌اند. وی در چکامه‌های خود، تشبیب و تعزل را وا می‌نهد و مناظره‌هایی را میان زمین و آسمان، شب و روز، مغ و مسلمان و... سامان می‌دهد، و آنگاه ممدوح را می‌ستاید. در درازنای تاریخ ادبیات فارسی، مناظره‌های متعددی ساخته و پرداخته شده، که تصحیح و تحقیق و تحلیل آنها از بایستگی‌های پژوهش در انواع ادبی در زبان و ادبیات فارسی است.

یکی از پی‌جویان جدی مناظره‌پردازی در ادبیات فارسی، دانشور گرانقدر، جناب آقای دکتر نصرالله پورجوادی

است، حتی در دست داشتن فهرستی نامگواز این آثار نیز مغتنم است چه رسد به فهرست حاضر که در آن آگاهی‌های اولیه لازم برای شناخت دستنویس‌ها و آثار آورده شده است.

به هر حال، جا دارد از تلاش تمامی دست‌اندرکاران تهیه و انتشار اینگونه فهرس و بخصوص فهرست حاضر سپاسگزاری شود.

علی صفری آق قلعه

### کتاب الشفا (الفن الاول من علم المنطق) در استانبول منتشر شد

مقدمه‌ای بر منطق عنوان اصلی کتاب الشفا با ترجمه عمر تورکر از سوی انتشارات لیترا در استانبول منتشر شد. این کتاب با پیشگفتاری از ناشر آغاز می‌شود که در آن علاوه بر اشاره بر مقام ابن سینا در تاریخ علم و اثری که وی به نام کتاب الشفا به زبان عربی فراهم آورده، از تراجمی که به زبانهای مختلف از این اثر صورت گرفته است، سخن می‌رود. مترجم در مقدمه خود به ویژگیهای «مدخل منطق» اشاره کرده است. مضامین اصلی کتاب که همراه با ترجمه، متن عربی آن را نیز در برگرفته از دو مقاله تشکیل شده است: مقاله اول شامل ۱۴ فصل است که به ترتیب شامل محتوای کتاب شفا اشاره‌ای به علوم و منطق و منافی که بر فلسفه مترتب است، منافع منطق، محتوای مقوله منطق، تعریف مقولاتی چون مفرد و مؤلف، کلی و جزئی، ذاتی و عرضی، انتقاد از آنچه که در خصوص ذاتی و عرضی گفته می‌شود، انتقاد از آنچه در خصوص دلالت بر ماهیت گفته می‌شود، تقسیم لفظ مفرد کلی به پنج شاخه، تعریف جنس، نوع و طرز تقسیم کلی به نوع، انتقاد از تعاریف مشهور نوع، مقولات طبیعی، عقلی، منطقی، مقوله فصل، بررسی مقولات خاصه و عرض عام می‌شود.

مقاله دوم از چهار فصل تشکیل شده است: در فصل اول از مشارکت و مباینات میان جنس و فصل سخن رفته است. فصل دوم از مشارکت و مباینات میان جنس و نوع سخن به میان آمده است. در فصل سوم از بقیه مشارکات و مباینات صحبت شده است. فصل چهارم به ارتباط میان بعضی از این پنج مقوله اشاره می‌کند.

مترجم در پایان با استفاده از نسخه شماره ۲۵۵۰ موجود در کتابخانه سلیمانیه (بخش لاله‌لی) به مقدمه ابوعبیدجوزجانی، شاگرد ابن سینا بر «مدخل» و پاره‌ای توضیحات لغوی قرار داده است. مترجم به طوری که در





## سلوة الشیعة (کهن ترین تدوین موجود از سروده های منسوب به امیر مؤمنان علی بن ابی طالب «ع»)

تدوین ابوالحسن علی بن احمد فنجگردی نیشابوری (در گذشته ۵۱۳ ه. ق.)، پژوهش و گزارش جويا جهانبخش، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴، ۲۲۳ ص.

با تکیه بر شواهد تاریخی، معلوم است که امام علی (ع) نه تنها به شعر اهمیت می‌داده و در نقد شعر، ماهر و بارع بوده، بلکه خود نیز شعر می‌سروده است. کتب تاریخ و سیره و لغت و ادب، و مهمتر از آن، احادیث و سنن، از جمله حدیث نامه‌های بخاری و مسلم، نمونه‌هایی از شعر یا رجز را ثبت کرده و به امام علی (ع) نسبت داده‌اند. از دیرباز، در شمار و کدامینگی ابیات مسلم الانتساب به امام علی (ع) جای درنگ و اختلاف دیده شده، و گام نخست برای پژوهش در این باره، تحقیق در مجموعه‌ها و مأخذ در بر دارنده این ابیات و اشعار است.

یکی از ادبایی که ابیات منسوب به امام علی (ع) را در مجموعه‌ای به نام سلوة الشیعة فراهم آورده و به دست ما رسیده، ابوالحسن علی بن احمد فنجگردی نیشابوری است. وی قریب به دوره سیدرضی، و همروزگار زمخشری و میدانی بوده است. در حدود سال ۴۲۳ ه. ق. تولد یافت و عمرش بیشتر در مطالعه حدیث و ادبیات گذشت. فنجگردی در سرانجام عمر به بیماری مبتلا شد و زمینگیر و خانه‌نشین گردید و در شب آدینه سیزدهم ماه رمضان سال ۵۱۳ ه. ق. در نیشابور درگذشت و در جامع قدیم بر او نماز گزارند و در حیره در مقبره نوح به خاک سپرده شد. تمة الیلغه اثر دیگر فنجگردی است که دستنوشته‌ای از آن در کتابخانه چستربیتی موجود است.

سلوة الشیعة پیش از این به کوشش جويا جهانبخش در گنجینه بهارستان (علوم قرآنی و روایی ۱، صص ۳۳۹-۳۷۷) چاپ شده بود و اکنون با افزوده‌هایی در پیشگفتار مصحح، تجدید نظر و تدقیق در تصحیح متن ترجمه اشعار، و تعلیقات، به صورت مستقل انتشار یافته است.

سلوة الشیعة نسخه‌ای کهن از دهه دوم سده ششم هجری در ضمن مجموعه‌ای در کتابخانه مجلس شورای اسلام محفوظ است، و این دستنوشته در ویراست کنونی، مبنای تحقیق و تصحیح قرار گرفته و با نسخه‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (شماره ۲۲۰۳) و کتابخانه مدرسه سپهسالار، مقابله شده است.

مهسا سقاری

است. ایشان به تصحیح و پژوهش مناظره‌ها و به قول خود «پیکارهای زبان حالی» همت گماشته‌اند و برآند اثری محققانه در این باره به یادگار گذارند. چاپ مناظره شطرنج و نزد، تصنیف حسام صراف خوارزمی، در نامه فرهنگستان (شماره پیاپی ۲۴، صص ۱۶-۲۹)، مناظره عقل و علم و حلم و دولت، از مولفی ناشناخته، در نشریه مذکور (شماره ۲۶، صص ۸-۱۷) و مناظره کلک و کف از کمالی بخارایی، در نامه بهارستان (شماره ۱۱-۱۲)، از تلاشهای دکتر نصرالله پور جوادی در تصحیح و تحقیق مناظره‌های فارسی است. تازه‌ترین اثر ایشان درباره نوع ادبی مناظره، تصحیح و پژوهش مثنوی روز و شب سروده حکیم سعدالدین نزاری قهستانی (۶۴۵-۷۲۱ ه. ق.) است. نزاری این مثنوی را به وزن و بحر حدیقه سنایی و به تصریح خود در سال ۶۹۹ ه. ق. سروده به شاه علی شمس‌الدین، فرمانروای بیرجند و خوسف و اطراف آن اتحاف نموده است. دکتر پورجوادی، نظر خانم نادیا ابوجمال را که روز و شب را در این منظومه، نمودگار دو مذهب سنی و شیعی پنداشته، و سرانجام پیروزی تشیع بر تسنن انگاشته، بی پایه دانسته و نوشته است که نزاری «می‌خواسته است مطلبی برای شاه بنویسد، از او ستایش کند، و عذر بخواهد از خطایی که مرتکب شده، و از او درخواست بخشش و بخشایش کند، لذا داستان شب و روز را به یک معنی بهانه قرار داده است. البته چون او از قالب مثنوی استفاده کرده، این پیکار را به صورت داستانی نسبتاً بلند در آورده است». (مقدمه مصحح، ص ۲۰). دکتر پورجوادی، همچنین نظر برخی از محققان را که صراحتاً یا تلویحاً روز را نشانه مذهب اسماعیلی، و شب را نشانه مذهب تسننی انگاشته‌اند، نپذیرفته است و متذکر شده است که «... من هیچ نشانه‌ای یا قرینه‌ای که صحت این برداشت را تأیید کند، در ابیات مثنوی نیافته‌ام».

دکتر پورجوادی برای تصحیح مثنوی روز و شب از دستنویس محفوظ در سن پترزبورگ (لنین گراد سابق) استفاده کرده، که در سال ۸۳۸ ه. ق. به خط عبدالرشید بن شیخ عبدالله الخلوی کتابت شده است. امید است ایشان به دستنویسهای دیگر این اثر نیز دست یابند، تا متن مصحح و منقح آن ارائه گردد.

مصحح، مقدمه‌ای محققانه بر مثنوی روز و شب نوشته، که مطالب آن عبارتند از: مثنوی‌های نزاری، ساختار مثنوی روز و شب، ممدوح نزاری، مناظره‌ای به زبان حال، خلاصه داستان، مثنوی به رمز، تأثیر شاعران پیشین در نزاری، اسماعیلی یا صوفی، نسخه خطی و تصحیح.



عنوان اثر: **Mevlana Sozlugu** / نویسنده: عبداللطیف اردوغان. ناشر: انتشارات لامور (Lamure) / استانبول - ۲۰۰۶ / تعداد صفحات: ۲۸۷

عبداللطیف اردوغان در سال ۱۹۷۰م در قونیه متولد شد و در همان شهر تحصیلاتش را به انجام رسانید. وی از نویسندگان نشریه "Gen Gelisim" است. اثر با مقدمه (صص. ۱۷- ۲۱) مولف شروع می‌شود که در آن از اهمیت مثنوی در ادبیات اسلامی و از نقشی که این فرهنگ می‌تواند در تشریح فلسفه مولانا بازی کند، سخن به میان آمده است. به طوری که مؤلف در همین مقدمه آورده، اثر کلاً با مثنوی مولانا جلال‌الدین ارتباط دارد و مؤلف کوشیده است که به کلام مولانا صادق بماند.

واژه‌ها و تعابیر و ترکیبات برگزیده از مثنوی به ترتیب الفبا به طوری که در مثنوی آمده، مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

در پایان کتاب بخشی به «آخرین کلام» (صص. ۲۷۷-۲۸۰) اختصاص یافته و طی آن از مقولاتی چون شب عرس (که در زبان ترکی به غلط شب عروس خوانده می‌شود)، ذهنیت وصلت و مرگ نزد مولانا صحبت به میان آمده است.

کتاب با واژه‌نامه کوچکی که در آن معانی بعضی از کلمات داده شده است به پایان می‌رسد.

مؤلف در تألیف اثر علاوه بر ترجمه مثنوی ولد چلبی، از منابع دیگر نیز استفاده کرده که در کتابشناسی آخر کتاب از آنها نام برده است.

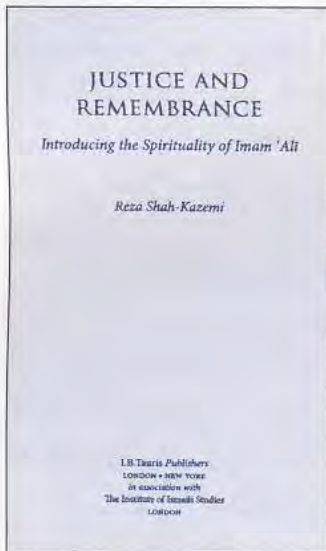
مؤلف با توسل به ترجمه ترکی مثنوی اثری فراهم کرده که در آن روش علمی برای تهیه این گونه آثار رعایت نشده است. نویسنده بهتر بود ابتدا به تأویل و تفسیر واژه‌ها از نظر معنا و عرفان می‌پرداخت و سپس به مفهومی که مولانا از آن داشته است، توجه می‌کرد.

گروه مطالعات و بررسیهای رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران. آنکارا

### کتاب تازه مؤسسه مطالعات اسماعیلی درباره معنویت امام علی

عدل و ذکر؛ معرفی معنویت امام علی (ع)، رضاشاه کاظمی، لندن، انتشارات آی. بی، توریس با مشارکت مؤسسه مطالعات اسماعیلی. ۲۰۰۶ م، ۲۵۴ ص.

عدل و ذکر؛ معرفی معنویت امام علی، نوشته رضا شاه کاظمی کتاب تازه مؤسسه مطالعات اسماعیلی است که به بررسی اندیشه‌ها و آموزه‌های نخستین امام شیعیان، علی ابن ابی طالب (ع) به عنوان یک پیشوای معنوی، اخلاقی و سیاسی می‌پردازد. این کتاب نخستین پژوهش جدی منتشر شده به زبان غربی درباره آموزه‌های امام علی است.



نویسنده با بررسی و تحلیل منابع اصلی، به کاوش در حکمت امام علی می‌پردازد که به عنوان گنجینه حکمت معنوی را در دسترس کسانی قرار بدهد که عربی نمی‌دانند و آن حکمت معنوی بی‌زمان را به گویشی که برای خوانندگان امروزی قابل فهم است، وراى ایام به صدا درآورد.

در بخش نخست، ابعاد معنوی و اخلاقی تعالیم امام علی (ع) را مورد بررسی قرار گرفته. فصل دوم مفهوم مقدس عدالت را در تعالیم او روشن می‌کند و قسمت سوم کتاب حول «رسیدن به حقیقت از طریق ذکر» متمرکز است. این کتاب شامل دو ضمیمه نیز هست، «خطبه نخست نهج البلاغه، که شامل نامه‌ها، خطبه‌ها و کلمات قصار امام علی است و نامه امام علی به مالک اشتر» به همراه کتابشناسی برگزیده‌ای برای کسانی که می‌خواهند مطالعات بیشتری در این زمینه داشته باشند.

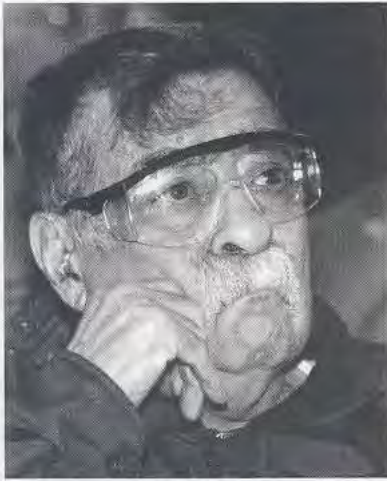
مؤسسه مطالعات اسماعیلی یک برنامه رونمایی کتاب برای جامعه‌های اسماعیلی و مخاطبان دانشگاهی در کانادا و ایالات متحده آمریکا برای ارائه آگاهی بیشتر از این اثر تدارک دید.

دکتر شاه کاظمی همچنین درباره اسلام در ماه اوت سخنانی ایراد کرد.

عدل و ذکر؛ معرفی معنویت امام علی کتابی مهم در زمینه مطالعات و اندیشه شیعی است و منبعی مفید برای محققان مطالعات اسلامی است. این اثر افزوده‌ای منحصر به فرد برای مطالعه تشیع و تعالیم امام علی را







مخصوصاً از آن جهت که با معنویت در اسلام نسبت دارد، زنده می‌کند. نویسنده ابراز امیدواری کرد که «این کتاب اهمیت امام علی را، چنان که همهٔ مسلمین او را می‌بینند و نه فقط شیعیان، به عنوان مهم‌ترین چهرهٔ معنوی در تاریخ اسلام پس از خود حضرت محمد نشان دهد.»

این اثر به سید حسن نصر تقدیم شده است.

موسسه مطالعات اسلامی - انگلستان

## کتاب نکوداشت رازدار گنجینه‌های خطی به چاپ رسید

حدیث عشق ۸ (با عنوان فرعی استاد سید عبدالله انوار در جستجوی گمنامی)، به کوشش فریبا افکاری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۴۹۷ ص، ۱۳۸۵.

همزمان با دومین روز هفته کتاب و بزرگداشت عبدالله انوار در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، یادنامه و شرح زندگی و احوال این نسخه‌شناس برجسته به شکل کتاب منتشر شد.

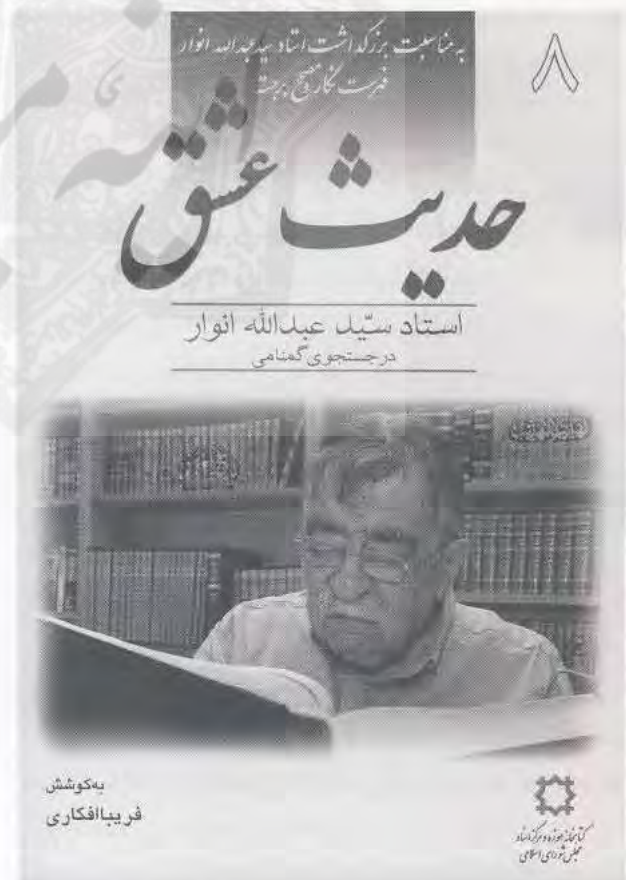
این کتاب به کوشش فریبا افکاری از سوی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی با

شمارگان هزار نسخه و با عنوان حدیث عشق به بازار عرضه شده است. در این کتاب علاوه بر مقدمه سید محمد ابهری رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، زندگی خود نوشت استاد انوار و سالشمار زندگی و انتشار آثار او نیز آمده است.

همچنین در این کتاب مقالات تألیفی و ترجمه‌های استاد انوار در حوزه‌های نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری، هندسه و ریاضیات، منطق و فلسفه، پزشکی، موسیقی و نقد کتاب گردآوری شده و در بخش دوم نیز برخی از آثار استاد نقد شده است. در این بخش ایرج افشار، حبیب‌الله عظیمی، فریبا افکاری و جويا جهانبخش آثار انوار را بررسی کرده‌اند. در بخش سوم نیز با عنوان انوار از نگاه زبان‌دیگران حسین شهیدزاده، مهدی محقق، سید امیر محمود انوار، احمد علی رجایی، ابراهیم تیموری، فاطمه قاضیها، نورالله مرادی و جمشید کیان‌فر درباره عبدالله انوار مقالاتی نوشته‌اند.

در بخش چهارم نیز نمونه‌هایی از حاشیه‌نگاری و تعلیقات بر متون انوار و در بخش پنجم نیز اسناد و تصاویری از ایشان چاپ شده است.

عبدالله انوار در سال ۱۳۰۳ در تهران متولد شد. او فارغ‌التحصیل رشته حقوق است و علاوه بر فلسفه و ریاضیات به زبان انگلیسی، عربی و فرانسه تسلط کامل دارد. انوار یکی از برجسته‌ترین نسخه‌شناسان ایرانی است که با مفاهیم موسیقی و هنری نیز آشناست. انوار در حال حاضر عضو شورای علمی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، مشاور هیات امنای کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، عضو شورای علمی گروه موسیقی فرهنگستان هنر و مشاور علمی موزه تاریخ علوم پزشکی است.

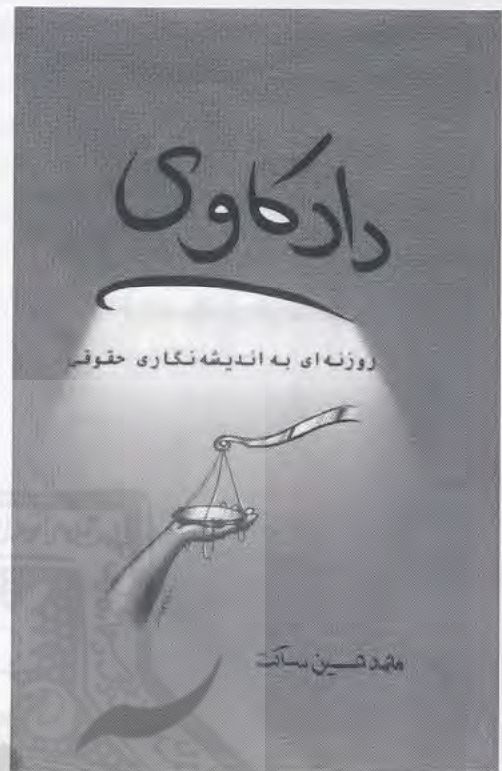




الف) به مناسبت سال پیامبر اعظم (ص) منتشر شد:

۱. منشور اخلاق و رفتار قضایی بر پایه آموزه‌های پیامبری

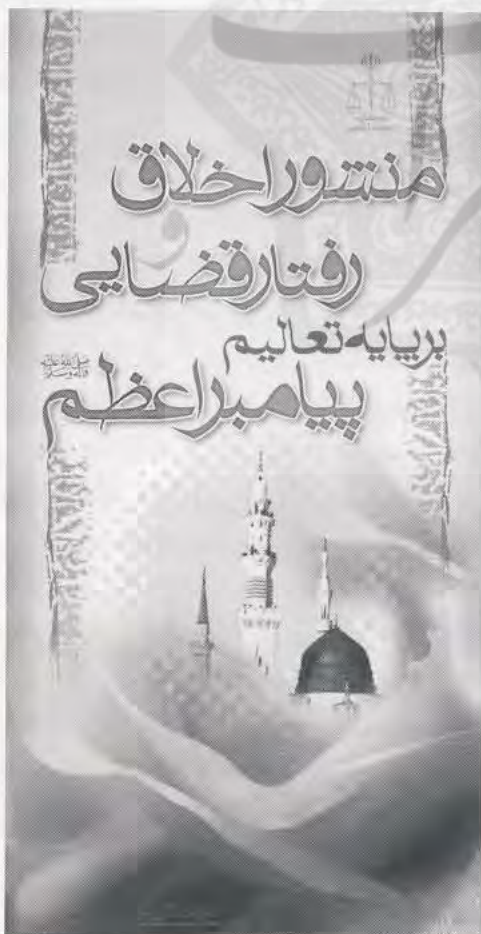
۶. قاضی پروردگان خاندان دامغانی
۷. توانمندی اتحادیه اقتصادی اروپا در بستن پیمان و کاربرد عملی آن
۸. نگرشی بر روند تاریخی و حقوقی زندان
۹. نقش شیخ طوسی در دگرگونی و گسترش علم نظری حقوق در شیعه
۱۰. درآمدی بر اعتیاد از دیدگاه واژه‌شناسی و جرم‌شناسی
۱۱. ایران، اسلام و پاسداری از حقوق زیست بومی در خلیج فارس
۱۲. استحسان در نگاه ابن تیمیّه
۱۳. سازمان قاضی القضاة در جهان اسلام
۱۴. شخصیت حقوقی سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)
۱۵. نگاهی به قاعده فقهی «الخراج بالضمّان»
۱۶. حقوق مالکیت فکری؛ تاریخچه و مبانی
۱۷. ساز و کارهای جایگزین کیفر زندان
۱۸. پاسداری از شأن و شرف قضایی
۱۹. نگاه و نگرش‌هایی به چند دادنامه



کتاب دادکاوی یا روزنه‌ای به اندیشه‌نگاری حقوقی، مجموعه مقالات حقوقی استاد محمد حسین سادات است که در تابستان ۸۵ به وسیله شرکت سهامی انتشار نشر یافت. نخستین پیوست این کتاب ۵۶۰ صفحه‌ای از بایسته‌های اخلاق قضایی براساس تعالیم پیامبر اسلام (ص) گفتگو می‌کند (صص ۴۹۹-۵۳۲). این منشور اخلاق قضایی برای نخستین بار در کشور تدوین یافته است که در آماده سازی آن آقای درویش زاده یاری رسانده است. پیوست دوم کتاب دادکاوی درباره «اخلاق حرفه‌ای و صنف وکلا» کوتاه و آموزنده است. (صص ۵۳۲ - ۷۴۰).

آنچه در این کتاب می‌خوانید:

۱. فرهنگنامه حقوقی، پیشنهادی برای واژه‌گزینی
۲. اهمیت درخور پیش بینی بودن زبان در مسئولیت مدنی
۳. فراگیری و آموزش زبان حقوقی نوین تازی در ایران
۴. بررسی و آموزش حقوق اسلام در انگلستان و گرایش‌های تازه فقهی
۵. درآمدی به مسئولیت مدنی در کشورهای گوناگون



گزارش‌میراث

دوره دوم، سال اول، شماره سوم، آذر ۱۳۸۵



پیوست ۱: منشور اخلاق و رفتار قضایی بر پایه آموزه‌های پیامبری  
 پیوست ۲: اخلاق حرفه‌ای و صنف و کلا  
 پیوست ۳: بازداشت خانگی؛ کیفر جایگزین زندان و سالب آزادی کوتاه مدت  
 نمایه

گفتنی است که «منشور» اخلاق و رفتار قضایی بر پایه آموزه‌های پیامبری با اندکی تغییر با عنوان منشور اخلاق و رفتار قضایی بر پایه تعالیم پیامبر اعظم جداگانه به وسیله معاونت آموزش قوه قضاییه از سوی انتشارات قضا وابسته به قوه قضاییه در اواخر تابستان ۸۵ و پس از انتشار کتاب دادکامی به طور جداگانه منتشر شد و برای قضاات سراسر کشور ارسال گردید. این کتابچه در ۷۸ صفحه به قطع پالتویی چاپ شده است.

این کوشش مبتکرانه مشاور علمی این مرکز - استاد محمدحسین ساکت - و همکارشان در خور تقدیر است به ویژه که جای خالی چنین کتابچه‌ای که در بردارنده نکته‌های برجسته اخلاق قضایی به همراه مستندات فقهی است، از دیرباز احساس می‌شده است.

امیدواریم با مطالعه دقیق و به کار بستن مواد و موارد آن، شاهد رشد هرچه چشمگیرتر رفتار منطقی و احترام‌آمیز دو جانبه قضاات و مراجعان در دادگستری‌ها و مراجع قضایی باشیم.

برای نمونه، بخشی از این منشور را می‌خوانیم: (صص ۳۹-۴۰)

### ۱.۱. استقلال قضایی در کار:

۱.۱.۱. قاضی نباید گوش به فرمان یا سفارش کسی به دادرسی بنشیند. قاضی در رسیدگی به پرونده‌ها و دادن رأی، زیر تأثیر هیچ جریان و موج و جنبشی (سیاسی - اقتصادی و اجتماعی) قرار نمی‌گیرد و توصیه‌پذیری یا بزدلی و ترس و محافظه کاری به جریان دادرسی او هیچ راهی ندارد.

۱.۱.۲. قاضی نباید از دو سوی دعوا و یا یکی از آنها تأثیرپذیرد.

۱.۱.۳. زیر تأثیر هوی و هوس و خواسته‌های خود قرار گرفتن، در واقع، گونه‌ای از دست دادن استقلال قضایی قاضی است.

۱.۱.۴. هنگامی که قاضی با علم و آگاهی و اقناع وجدانی رأی داد، دیگر به هیچ وسیله و بهانه‌ای نباید از

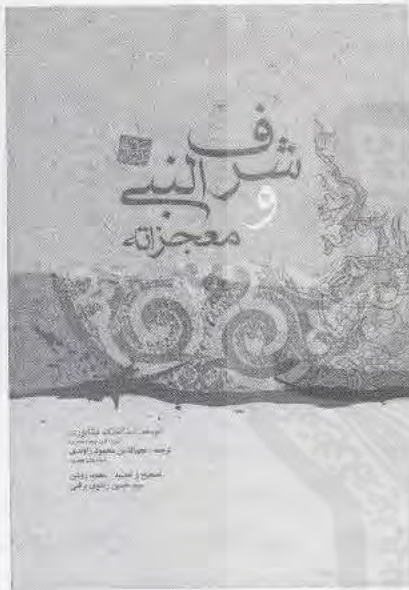
تصمیم قضایی‌اش برگردد، مگر یقین کند که اشتباه کرده است.

۱.۱.۵. آخرت گرا بودن و اعتماد بر درک وجدانی تأثیرناپذیر از جریان‌ها، به همراه یاری گرفتن از خدای بزرگ، موجب تقویب استقلال قضایی می‌شود.

۱.۱.۶. رعایت اصول بررسی و مشاوره و پرهیز از استبداد به رأی و نیز اصل احتیاط است که استواربخشی استقلال قضایی را در پی می‌آورد.

### ۲. شرف‌النبی و معجزاته

ترجمه نجم‌الدین محمود راوندی، تصحیح و تحشیه محمد روشن و سیدحسین رضوی برقی، انتشارات سلسله، قم ۱۳۸۵ خورشیدی.



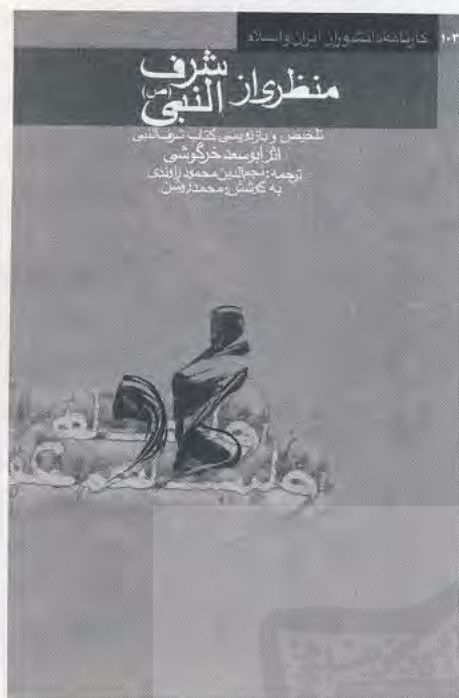
تسمیه سال جاری به نام مبارک پیامبر گرامی اسلام موجب شده است تا عنایتی دوچندان به تحقیق و انتشار متون مرتبط با زندگی پربرابر ایشان مبذول شود. از جمله این آثار یکی هم کتاب شرف‌النبی و معجزاته اثر ابوسعید خرگوشی با ترجمه کهن نجم‌الدین محمود راوندی است که اخیراً از سوی انتشارات سلسله (قم) پیشکش دوستداران آن حضرت شده است.

کسانی که با آثار مرتبط با زندگی و سیره پیامبر «ص» آشنایی دارند می‌دانند که این متن سال‌ها پیش (۱۳۶۱ خورشیدی) با تصحیح محمد روشن، توسط انتشارات بابک منتشر شده است؛ منتها در چاپ اخیر تفاوت‌هایی نسبت به چاپ پیشین مشاهده می‌شود که معرفی آن را ضروری می‌نمایاند.

این چاپ در واقع ویرایش دوم از تصحیح مذکور است و



### ۳. منظری از شرف النبی (ص)



شرف النبی و معجزاته از ابوسعید عبدالملک واعظ خرگوشی نیشابوری از بزرگان دین و دانشوران روزگار خود بود، - ۴۰۶/۷ ه. ق. = ۱۰۱۵/۱۶ م - که افزون بر جامعیت علمی و دینی، مردی نیکوکار و عامل و سازنده بود، و بزرگترین بیمارستان ناحیه را برای نیازمندان و غریبان بنیاد نهاد.

افزون بر سیره‌های نبی (ص) گونه‌ای دیگر از زندگینامه پیامبر اعظم (ص) به نگارش درآمده که آن آثار را دلایل و شمایل می‌خوانند و کتاب خرگوشی نیشابوری از آن شمار است که از سوی نجم الدین محمود بن محمد بن علی راوندی که خود استاد اجل عالم... سید العلماء فخر الامثال ممتاز الانام... خوانده شده و به سالهای ۵۷۷ ه. و ۵۸۵ ه. / ۱۱۸۹ م می‌زیسته به فارسی روان و شیوا ترجمه شده است. برای بهره‌یابی دانشجویان و خوانندگان جوان و مستفیدان، بابهایی از این اثر دلپذیر بازنویسی شد، و تا حد مقدور کوشش بر آن بوده ویژگیهای نگارشی اثر باز نموده شود، و خوانندگان دانش پژوه را نمونه‌ای از نثر سده ششم هجری در دست باشد تا از مباحثی سخن رود که در زندگانی تابناک پیامبر (ص) آگاهیهای سودمند از نامها، معجزه‌ها، معراج، که خود در شعر ادب و فارسی پایگاهی بلند دارد، و برتریهای مدینه منوره، و پیمودن کعبه و مسجد الحرام و شفاعتهای پیامبر (ص) و مزاحهای آن حضرت که به فضیلت و طهارت خاندان نبی اکرم (ص) گواه است، عرضه گردد.

چنانکه از مقدمه استاد روشن بر ابتدای کتاب برمی‌آید تدوین فعلی توسط آقای رضوی برقی انجام شده است. از جمله تفاوت‌های ویرایش جدید با چاپ پیشین، ضبط اختلافات نسخه‌ها در پای برگه‌ها است که در چاپ پیشین به صورت یکجا در انتهای متن آورده شده بود. روش فعلی - به زعم نگارنده - با ساختار ماهوی تصحیح متون فارسی (و عربی) تناسب بیشتری دارد و به خواننده این امکان را می‌دهد تا همزمان با مطالعه متن به اختلاف نسخه‌ها نیز دسترسی داشته باشد. این کار هر چند در خواندن متن اندکی وقفه ایجاد می‌کند، اما برای خواننده آشنا با متون، فرصت بررسی کار مصحح را نیز به نحو ساده‌تری فراهم می‌آورد.

تا جایی که نگارنده بررسی کرده در انتقال اختلافات مبنا همان کار پیشین است و مقابله مجددی با نسخه‌ها انجام نشده و گویا تغییراتی - هر چند اندک - در ضبط‌ها نیز پیش آمده. برای نمونه پاورقی شماره ۸ صفحه ۵۹ به صورت «گوهربار» ضبط شده که در نسخه «گوهربار» است و در چاپ پیشین مطابق نسخه ضبط شده بود.

از دیگر تفاوت‌های ویرایش فعلی با چاپ پیشین، بازبینی اعلام متن و مقابله آن با اصل عربی کتاب است که در این کار از تحقیق ابوعاصم نبیل بن هاشم الغمری آل باعلوی (منتشره به سال ۱۴۲۴ ق / ۲۰۰۳ م) استفاده شده است.

تفاوت دیگر درج مقاله زنده‌یاد دکتر احمد طاهری عراقی با عنوان «گفتاری در باب ابوسعید خرگوشی نیشابوری» است که در چاپ پیشین وعده انتشار آن در چاپ‌های بعدی داده شده بود و در این چاپ بدان وفا شده است. و البته چاپ زیبا و چشم‌نواز را نیز باید از امتیازات چاپ اخیر محسوب کرد.

ترجمه فارسی شرف‌النبی از جمله متون کهن فارسی محسوب می‌شود که نگارش آن در سده ششم هجری انجام یافته و نسخه‌های آن نیز از دستنویس‌های نسبتاً کهن فارسی محسوب می‌شود. چنانکه دستنویس پایه این چاپ تاریخ ۵۹۹ هجری دارد. نثر پخته و روان اثر، دربر داشتن واژگان و تعبیرات کهن فارسی و البته در صدر همه اشتمال بر گوشه‌هایی از زندگانی و سیره پیامبر گرامی اسلام کتاب را به اثری قابل توجه تبدیل کرده است.





این اثر به کوشش استاد محمد روشن برای نسل جوان ساده نویسی و تلخیص شده است.

#### ۴. معراجنامه سفر معجزه آسای پیامبر (ص)

معراجنامه سفر معجزه آسای پیامبر (ص)، ماری رز سگای، ترجمه دکتر مهناز شایسته‌فر، انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران، ۱۳۸۵ خورشیدی.



واقعه معراج از معدود معجزات پیامبر (ص) به شمار می‌رود که علاوه بر روایات و احادیث، در خود قرآن نیز در چند موضع بدان اشاره شده است و این امر - بخصوص با تأیید نص قرآن که خود دلیلی متقن در اثبات آن است - باعث شده که تقریباً در تمام تفاسیر قرآنی بدان پرداخته شود و این موارد معمولاً ذیل آیه اول از سوره اسراء (= بنی اسرائیل/۱۷) و همچنین آیات آغازین سوره نجم (۵۳) و خصوصاً آیات هفتم تا نهم این سوره نقل شده است.

از آنجا که چند مورد از کهن‌ترین متون ادب فارسی - مانند ترجمه تفسیر طبری و تاج التراجم - به تفاسیر قرآنی اختصاص دارد، نمونه‌های کهنی از سده‌های پنجم و ششم از این روایت در زبان فارسی موجود است. به عبارتی شرح و توصیف واقعه معراج را می‌توان در خلال قدیم‌ترین متون فارسی مشاهده کرد؛ اما در مورد اینکه اولین معراج‌نامه مستقل فارسی در چه دوره‌ای تدوین شده نظر قطعی نمی‌توان داد و چنین حکمی

نیازمند بررسی دستنویس‌های موجود است؛ با این وجود اگر انتساب معراجنامه‌ای که به ابن سینا منسوب شده مورد پذیرش قرار گیرد آنگاه می‌توان اولین نمونه مستقل معراجنامه‌ها را از سده پنجم هجری دانست؛ هرچند در صورت رد این انتساب نیز با توجه به اقدم نسخ آن متن و دوره زندگانی شخص دیگری که اثر بدو منتسب شده، باز هم تاریخ نگارش آن یک سده فراتر رفته و از نوشته‌های سده ششم به شمار خواهد آمد.

در اینجا قصد نداریم به تاریخچه نگارش این دست از آثار بپردازیم، اما لازم دیدیم خواننده اطلاعاتی اولیه راجع به این موضوع داشته باشد؛ در این میان آنچه ناگفته ماند اینکه روایات موجود از معراج پیامبر گاه بسیار گوناگون و متفاوت است و این امر بیشتر معلول دو عامل است، یکی اینکه اکثر روایات به وقوع چند (حد اقل دو) معراج برای پیامبر اشاره کرده‌اند که هر کدام در زمانی و به گونه‌ای متفاوت با دیگر مورد/ موارد بوده و این مهم‌ترین عامل گوناگونی این روایات است. عامل دیگر اینکه به دلیل تفصیلی که واقعه معراج دارد، در میان خود راویان نیز، برخی آن را نقل به مضمون کرده‌اند و برخی نقل به عبارت و در این میان قاعدتاً اختلافات و بخصوص حذف و افزونی‌هایی مشاهده خواهد شد.

چندی پیش مؤسسه مطالعات هنر اسلامی نگاره‌های دستنویسی بسیار جالب و منحصر بفرد از یکی از روایات مستقل معراج مربوط به دوره تیموریان را منتشر کرد که به دلیل اهمیت دستنویس چه از نظر هنر نگارگری و چه از نظر متنی بسیار جالب است (هرچند زبان آن ترکی است). البته در این چاپ بیشتر جنبه هنری دستنویس مطرح بوده و لذا به انتشار نگاره‌های دستنویس اکتفا شده است.

پیش از ورود به مطلب اصلی باید اشاره کنیم که انتشار دستنویس‌هایی از این دست بیش از آنچه تصور می‌شود راهگشا و حائز اهمیت است و هرگونه تلاشی که در این زمینه انجام شود شایسته تقدیر است؛ بخصوص که انتشار اینگونه آثار مستلزم صرف زمان و هزینه فراوان است.

باید در نظر داشت که دستنویس‌های مصور به هر صورت، گونه‌ای از دستنویس‌های باقی‌مانده از گذشتگان ما محسوب می‌شوند و در مباحث نسخه‌شناسی باید به خصیصه‌های اینگونه دستنویس‌ها نیز توجه کرد، ضمن اینکه اطلاعات بسیار فراوانی را می‌توان از دل همین



نگاره‌ها استخراج کرد که در هیچ منبع دیگری قابل دستیابی نیست. به عنوان کمترین کاربرد می‌توان به تسهیل در تشخیص محدوده استکتاب دستنویس‌های مصور بدون ترقیمه اشاره کرد.

متأسفانه نگاه منفعلانه به این آثار لوکس و بی‌مصرف دانستن اینگونه کتاب‌ها باعث شده که در کشور ما به اینگونه مباحث کمتر بها داده شود و کمبود منابع پژوهشی در این حوزه و بخصوص عدم دسترسی به دستنویس‌های مذکور سبب شده تا اطلاعات پژوهشگران ایرانی در این زمینه بسیار محدود، دست دوم و مبتنی بر نوشته‌های دیگران باشد.

نگارنده بر این است که انتشار آثار هنری حتی به شکل پوستر و بدون رعایت قواعد علمی نیز سودمند است تا چه رسد به چاپ نسخه‌برگردان نگاره‌های یک دستنویس. بر این اساس آنچه پس از این ذکر شده در عین پذیرش کل کار به عنوان حرکتی قابل ستایش است و امیدوارم تلاش دست‌اندرکاران چاپ مذکور از این رهگذار مورد تعرض محسوب نشود.

دستنویس مورد نظر در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود (شماره ۱۹۰ متمم مجموعه ترکی). کتابت آن در حدود سال‌های ۸۳۹ تا ۸۴۰ هجری در هرات و برای شاهرخ (دومین پادشاه تیموری) انجام شده و دارای ۲۶۵ صفحه و ۶۱ نگاره است.

آرتور اپهام پوپ در سیر و صور نقاشی ایران (ص ۷۵) متذکر شده که نگاره‌های این دستنویس به مکتب هرات تعلق دارد و این البته با توجه به زمان و مکان تولید دستنویس جای گفتگو باقی نمی‌گذارد ضمن اینکه خود معیاری در شناسایی آثار این مکتب است.

متن اصلی به زبان ترکی و نگارش آن به خط اویغوری است ولی در بالای نگاره‌ها توضیح هر مجلس به عربی و معادل آن به زبان ترکی (با خط عربی) ذکر شده. ترجمه ترکی (متن) گویا در همان زمان توسط شخصی به نام میرحیدر شاعر انجام شده و کتابت اویغوری به قلم مالک بخشی هراتی است.

باید اشاره کنیم که در چاپ حاضر بیشتر جنبه‌های هنری اثر مدنظر قرار داشته و به همین دلیل اطلاعات متن شناسانه آن مورد غفلت واقع شده. برای نمونه هیچ اشاره‌ای نشده که روایت موجود بر اساس کدامیک از روایات معراج است.

البته برخی قرائن موجود در نگاره‌های دستنویس

می‌تواند ما را در شناسایی روایت و نکات جنبی دیگر کمک کند. مثلاً می‌توان حدس زد که پدید آورنده (یا سفارش‌دهنده) دارای علائق شیعی بوده و این امر بخصوص با توجه به گرایش شاهرخ به تشیع زیاد هم دور از انتظار نمی‌نماید. برای نمونه در نگاره مندرج در صفحه ۳۹ سه ایوان ترسیم شده که در کتیبه بالای هر کدام عبارتی دیده می‌شود. دو عبارت اول «لا اله الا الله» و عبارت دوم «محمد رسول الله» است و عبارت سوم «علی ولی الله»؛ جالب اینکه نگاره مذکور شامل مجلسی است که پیامبر را در حال مشاهده حوض کوثر نشان می‌دهد و در همین صفحه است که سوره مبارکه کوثر نیز کتابت شده.

نظر به اینکه توضیحات متن در حقیقت ترجمه توضیحات و اطلاعاتی است که نویسنده اصلی (خانم سگای) برای هر نگاره ارائه کرده. برخی از این موارد برای خواننده ایرانی زائد به نظر می‌رسد. هرچند حذف این موارد ترجمه را از تطابق کامل با متن اصلی دور می‌کند اما دقیقاً توجه به این موارد است که ترجمه را از یک کار فیزیکی به هنری ظریف و دیرپای تبدیل می‌کند.

گاه عبارات ترجمه شده از متن اصلی ترجمه آیه‌ای یا عبارتی شناخته شده است و بهتر بود در ترجمه فارسی عین عبارت بیاید نه ترجمه آن. مثلاً در ذیل توضیحات تصویر ۳۴ آمده: «فرشتگان که نظاره‌گر نزدیکی پیامبر (ص) به عظمت عرش الهی هستند اعلام می‌کنند: «ما گواهی می‌دهیم که پروردگار متعال، یکتاست و جز او خدای ...» این جمله دعاگونه که دارای ارزش مقدسی است، اظهار عقیده به اسلام و پیوستگی معنوی به آن است».

که عبارت: «ما گواهی می‌دهیم ... الخ» ترجمه شهادتین است.

همچنین اشتباهاتی - بخصوص در توضیحات و پاورقی‌ها- دیده می‌شود. برای نمونه در پاورقی ۱۱۰ آمده: «در صحاح ستة علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، جلد سیزدهم، ص ۱۱».

آیا منظور این است که علامه طباطبایی صحاح سته‌ای! داشته؟

در مقدمه مترجم برخی موارد مبهم دیده می‌شود. از جمله پاورقی‌ها و ارجاعات آنها هیچ ارتباطی با مطلب متن ندارد. برای نمونه در صفحه ۷ مقدمه در متن اشاره به این است که نگارگر معراجنامه از نقاشان دربار بایسنقر بوده و در تصویرگری خود مهارت به خرج داده. پاورقی مربوطه



ب) به مناسبت سال پیامبر اعظم (ص) منتشر می‌شود:

#### ۱. مخمس تبادکانی و لزوم تصحیح آن

قصیده موسوم به «الکواکب الدرّیة فی مدح خیر البریة»، مشهور به «برده»، سروده شاعر بزرگ مصری، شرف الدین ابو عبدالله محمد بن سعید بوصیری است. این قصیده عربی، که در مدح رسول الله (ص) است، چنان شهرتی یافت که نوعی تقدّس به آن بخشید. خطاطان آن را به بهترین شکل نگاشتند. شاعران زیادی به تربیع، تخمیس، تسدیس یا به هر شکل تکمیل و همسرایی با سراینده نخستین آن پرداختند. فارسی زبان و ترکان بسیاری آن را ترجمه یا شرح کردند. حتّی در این بین ترجمه‌های منظوم فارسی و ترکی هم دیده می‌شود.

در اینجا بنا ندارم به برشمردن شرح یا ترجمه‌های این قصیده طویل پردازم. کتابشناسی شروح آن (بیشتر عربی‌ها) در چندین شماره مجله گرانقدر تراثنا چاپ شده که باید بدان نگریست.

یک شرح قدیمی فارسی آن (احتمالاً از قرن نهم هجری) به دست علی محدّث تصحیح و چاپ شده است.<sup>۱</sup> (انتشارات علمی و فرهنگی)

از دیگر شروح فارسی کهنه آن باید از شرح شرف‌الدین علی یزدی، صاحب ظفرنامه، یاد کرد که بسیار مفصل است و چندین نسخه از آن می‌شناسیم. همچنین یادی از ترجمه‌ای از قرن هشتم هجری به فارسی در فهرست آستان قدس شده که گویا در ۷۷۹ هجری به نظم درآمده است.<sup>۲</sup> از همه اینها که بگذریم، هدف از نگاشتن این یادداشت، توجه دادن به یک ترجمه کهنه منظوم این قصیده است، که اگر بنا بر احیاء شروح این اثر باشد، به نظر من در اولویت قرار دارد. و چون مرکز پژوهشی میراث مکتوب، اکنون امکاناتی در اختیار دارد که می‌تواند از نقاط مختلف جهان از نسخه‌های خطّی عکسی تهیه کند، این بهترین فرصت است تا به تصحیح این اثر گرانقدر، البته به بهترین شکل و بدون هیچ گونه عجله یا اولتیماتومی - که دشمن کار تصحیح است - پرداخته شود. و چون در سالی قرار داریم که مبارک و گرامی است به نام پیامبر بزرگ اسلامیان، گفتم شاید نوشتن چنین یادداشتی بی‌مناسبت نباشد.<sup>۳</sup>

اثری که به معرفی اجمالی آن خواهم پرداخت، از یکی از متصوّف بزرگ قرن نهم هجری است که در زمره مشایخ نقشبندیه قرار دارد؛ شمس الدین محمد بن محمد بن محمد بن طاهر تبادکانی طوسی (م ۸۹۱ هجری). او از

(یاورقی شماره ۱) ارجاع به صفحه ۴۳ کتاب سیر و صور نقّاشی ایران است که در آن مطلبی مرتبط با این موضوع دیده نمی‌شود. البته در این صفحه بخش مرتبط با دوره ایلخانان آغاز می‌شود و هیچ ارتباطی با این دستنویس ندارد. ظاهراً نویسنده خواسته به خواننده بگوید که برای اطلاع از سبک نقّاشی این دوره به نشانی مذکور رجوع کند ولی جای یاورقی اصلاً مناسب نیست و منظور نویسنده را نمی‌رساند. همچنین مواردی که نیاز به توضیح بیشتر دارد. برای نمونه در صفحه ۷ مقدمه آمده: «این نسخه (یعنی معراجنامه) یکی از سه نسخه برجسته باقی‌مانده از مکتب هرات در فاصله بین دوره بایسنقر و بهزاد می‌باشد که دو نسخه دیگر خمسه نظامی و شاهنامه است.»

اشاره ایشان به خمسه و شاهنامه این تصوّر را پدید می‌آورد که گویا در دوره مذکور فقط یک خمسه و یک شاهنامه پدید آمده و در نتیجه نیازی نیست دقیقاً اشاره شود که کدام نسخه‌ها مدنظر است. به هر حال هر نویسنده‌ای - بخصوص اگر شخصی فاضل و آگاه به موضوع باشد - باید در نظر داشته باشد که مافی الضمیر وی برای خواننده روشن نیست و او به هر حال اطلاعاتی را در ذهن دارد که مطلب را برای خودش تکمیل می‌کند ولی خواننده این اطلاعات را در اختیار ندارد.

در نهایت باز هم یادآوری می‌کنیم که انتشار اینگونه آثار هر چند دچار ضعف‌هایی باشد باز هم محاسن کار به معایب آن می‌چربد، ضمن اینکه چاپ فاکسیمیله این نگاره‌ها به خودی خود و بدون توضیحات مذکور نیز قابل استفاده است.

کتاب ظاهراً از روی چایی دیگر - و نه مستقیماً از روی تصاویر نسخه - عکسبرداری و منتشر شده است ولی با اینحال کیفیت آن مطلوب و قابل قبول است. کیفیت کار بخصوص از نظر استفاده از کاغذ خوب و مناسب - گلاسه مات - و تکنیک بسیار مطلوب چاپ شایان تقدیر است.

در توضیح بیفزائیم که در چاپ‌های گلاسه گاه از کاغذ نوع برّاق استفاده می‌شود که کاملاً نامطلوب است؛ گاهی نیز کاغذ مات است اما جوهر مورد استفاده برّاق است و باز کار را نامطلوب می‌سازد و خوشبختانه این چاپ هیچکدام از معایب مذکور را ندارد و مشخص است که در انتشار آن از افرادی آگاه استفاده شده. پیروزی روزافزون تمامی دست‌اندرکاران این چاپ را از خداوند بزرگوار خواستاریم.

علی صفری آق قلعه



مریدان زین الدین خوافی (م ۸۳۸ هجری) است و گویا با جامی نیز ملاقات داشته.

از آثار مهم و پر نسخه او یکی تسنیم المقرئین است که در شرح منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری به فارسی است. دستنویس خط مؤلف (نسخه اصل) این اثر، اکنون در

### تسنیم المقرئین

شرح فارسی منازل السائرین، خواجه عبدالله انصاری

تسنیم الدین معترف تبادکانی طوسی

تصحیح و تطبیق سید محمد طباطبایی بدهانی (مناصیر)

کتابخانه حوزه و مرکز اسناد معین دورای اسلامی

تهران - ۱۳۹۰

کتابخانه دانشگاه لنینگراد روسیه به شماره ۱۰۵۲ نگهداری می‌شود. مرحوم دانش پژوه که سفری به کتابخانه مزبور کرده بود، از این نسخه یاد کرده<sup>۴</sup> و تاریخ تحریر دستنویس را ۸۷۲ هجری نوشته است.

تسنیم المقرئین را کتابشناس فاضل، جناب آقای سید محمد طباطبایی تصحیح و منتشر کرده است.<sup>۵</sup> درباره شرح احوال و آثار تبادکانی، خوانندگان را به مقدمه این تصحیح ارجاع می‌دهم.

کار دیگر تبادکانی طوسی که بی تردید از اوست (در انتساب آن جای تردیدی نیست)، ترجمه منظوم مخمسی است بر قصیده برده بوضیری. از این ترجمه در مجالس النفایس و مقصد الاقبال یاد شده است. در منبع اخیرالذکر در این باره آمده است: «و قصیده متبرکه برده را به عربی و فارسی مخمس نموده در نهایت فصاحت شرح کرده که صاحب کمالان از تحریر آن متحیراند.»<sup>۶</sup> یاد کرد این مخمس و ترجمه آن، در تاریخ نظم و نثر سعید نفیسی<sup>۷</sup> هم هست.

در اینکه اهمیت این مخمس و ترجمه آن در چیست هنوز کاملاً توضیح داده نشده است. یکی از دلایلی که بر اهمیت آن می‌افزاید نکته‌ای است که استاد بزرگوار و دانشمندم، جناب آقای دکتر مظفر بختیار، بدان پرداخته است. ایشان در نوشته‌ای گران سنگ و بی بدیل، آنجا که به

بررسی اجمالی دستنویس‌های اسلامی در کشور چین پرداخته است، هنگام صحبت از «گویوان» (منطقه مسلمان نشین و خودمختار «نینگشیا»)، استطراداً از این اثر تبادکانی یاد کرده است. مطلب ایشان منعکس کننده اهمیت فوق العاده ترجمه منظوم تبادکانی در نزد مسلمانان چین، به خصوص آن منطقه خاص است.

ترجمه نوشته استاد در اینجا نقل می‌شود:<sup>۸</sup> «نینگشیا از مهم ترین مراکز تجمع مسلمانان در چین به شمار می‌آید... و اهمیّتش به وجود مرکز فرقه جهریه بر می‌گردد. با توجه به این که پیروان این فرقه دستنویس‌هایی در اختیار دارند، مناسب است مختصری از اصل این طایفه گفته شود.

فرقه جهریه از فرقه نقشبندیه در قرن هجدهم [میلادی] در چین منشعب شد و از آن پس نقش مهمی در تاریخ اسلام در آنجا بازی کرد. پیروانش بر عقاید و آدابشان که شامل عناصری است از تصوف ایرانی و طریقه نقشبندی یمنی - پایبندند. هر چند آنها در آنچه به آئینشان مربوط است بسیار پنهان کارند، به همین خاطر توصیف دقیق ایشان مشکل است. همچنین شرایط اجتماعی و سیاسی این پنهان کاری را بیشتر کرده است. این نکته نیز از جنبه فرهنگی و کتابشناسانه مهم است که متون مهم آنها، به شکل دستنویس، به زبانی نوشته شده که آمیخته‌ای از عربی و فارسی است و فهم آن برای کسانی که پیروان این فرقه نباشند آسان نیست.

مهم ترین متن جهریه - که نسخه‌های بسیاری از آن در تملک پیروان فرقه است - مخمس شیخ محمد تبادکانی طوسی خراسانی است. در این اثر مؤلف، قصیده شرف الدین بوضیری، مشهور به برده را در مدح نبی (ص)، در اسلوبی فارسی موسوم به مخمس ریخته است. تبادکانی در این کار روایتی از برده را که محمد جلال الدین خجندی فرغانی عرضه کرده، مورد استفاده قرار داده؛ البته نظم قصیده اصلی هم لحاظ شده است. این متن نزد این طائفه مقدس است و پیروانش باید آن را در مراسم دینی خود بخوانند. از این رو نسخه‌های بسیاری از آن، به شکل مخطوط و مطبوع، در چین یافت می‌شود.»<sup>۹</sup>

من اکنون به این متن ارزشمند دسترسی ندارم، ولی بند آغازین عربی و فارسی (تمام پنج مصرع) از آنچه استاد احمد منزوی و استاد عزیزالله عطاردی آورده‌اند نقل می‌کنم:<sup>۹</sup>

یا ایها المحتظی من لذة الالم

یا ایها المغتذی من ذلة السقم





ما بال طرف طول اللیل لم تنم

آمین تذکر جیران بڈی سلم

مزجت دمعاً جرى من مقلّة بدم

ای بهره مند جان تو از لذت الم

وی یافته غذا دلت از ذلت سقم

چشمت شب دراز چرا نامده بهم؟

یاد سلام رفقه/ رفعه [؟] سلمی بڈی سلم

آورد خون، ز چشمه چشم تو دمبدم

به جز نسخه‌هایی که استاد بختیار، به وجود آنها اشاره

کرده‌اند، و البته دسترسی به آنها گویا مشکل باشد، چندین

نسخه از این اثر باقی است که تهیه عکس از آنها برای مرکز

میراث مکتوب امکان پذیر است. اکنون در پایان مقال به

برشمردن این دستنویس‌ها می‌پردازم و امیدوارم روزی این

اثر ارزنده به بهترین شکل در اختیار اهل تحقیق قرار گیرد:

۱. کتابخانه گنج بخش پاکستان، شماره ۷۹۸۳: نسخ

خوش معرب، مورخ ۱۰۵۳ هجری، از روی نسخه‌ای که با

اصل مقابله شده بوده، در ۸۳ صفحه میکروفیلم آن در

کتابخانه گنج بخش به شماره ۷۳۶ نگهداری می‌شود. این

نسخه گویا بهترین است و شرایط اساسی قرارگرفتن را دارد.

۲. همانجا، شماره ۹۲۹۰: نستعلیق خوش، سده ۱۱-۱۲

هجری، در ۷۰ صفحه میکروفیلم آن به شماره ۶۱۵ در

همانجا.

۳. همانجا، شماره ۱۶۷۹: نستعلیق پخته، سده ۱۳

هجری، نخست سند و خواص قصیده است، سپس همان

تخمیس و با همان سرآغاز و تخلص مولوی<sup>۱۰</sup>، در ۶۸ صفحه.

۴. راولپندی پاکستان گولره شریف، دربار شادروان پیر

مهرعلی شاه: نستعلیق مرادعلی، مورخ ۱۲۴۸ هجری، در ۳۲

صفحه.

۵. کویته پاکستان، پشین، محمد صدیق صاحبزاده

شفیق الله: نستعلیق و نسخ، محمد امین، یکشنبه ۱۲

جمادی الثانی ۱۲۲۶ هجری، در ۴۲ صفحه.

۶. لاهور پاکستان، کتابخانه مرحوم محمد شفیع،

۴۰۷/۳۹۸: نسخ سده ۱۳ هجری، ۸۰ برگ.<sup>۱۱</sup>

۷. کتابخانه دانشگاه حیدرآباد دکن: استاد عزیزالله

عطاردی از این نسخه یاد کرده‌اند. ایشان خود این نسخه را

دیده و در کتاب ارزشمندشان بند اول آن را نقل کرده.<sup>۱۲</sup>

۸. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی.<sup>۱۳</sup>

پی نوشت:

۱. اینکه درباره شارح آن گفته شده شاید فخرالدین احمد بن محمد بن

ابی بکر شیرازی، باشد (شرح مختصری که در ۷۹۷ ه. نگاشته و نه شرح

مفصل عربی که در ۸۰۹ ه. نوشته) باید گفته شود نسخه‌ای از شرح مختصر

این مؤلف بعد از انتشار تصحیح آقای محدث یافته شد که معلوم شد به عربی

است. ر.ک: فهرست الفبائی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی،

ص ۳۵۲. پس دیگر این شرح از او نخواهد بود.

۲. فهرست الفبائی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ص

۴۴۶

۳. نسخه‌های خطی، زیر نظر محمد تقی دانش پژوه، ایرج افشار، کتابخانه

مرکزی و مرکز اسناد [دانشگاه تهران]، دفتر هشتم، ۱۳۵۸، صص ۲۷۸-۲۷۷.

۴. تسنیم المقربین، شمس الدین محمد تبادکانی طوسی، تصحیح و

تحقیق سید محمد طباطبایی بهبهانی (منصور)، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲. در این تصحیح از دو دستنویس این

کتاب که یکی از آن کتابخانه مجلس است و دیگری از کتابخانه‌ای در

هندوستان بهره برده شده است. متأسفانه مصحح پر تلاش و شناسا، با تمام

تلاشی که کرده‌اند به نسخه دانشگاه لنینگراد دست نیافته‌اند. چنین اخباری،

حسی غریب منتقل می‌کند. یعنی آیا اینها میراث ما است یا موزه داران

بیگانه؟

۵. مقصد الاقبالی سلطانیه و مرصد الامال خاقانیه، سید اصیل‌الدین

عبدالله واعظ، به کوشش مایل هروی، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱، ص ۱۱۰؛ نیز

ر.ک: تذکره مجالس النفائس، میرنظام الدین علیشیر نوائی، بسعی و اهتمام

علی اصغر حکمت، منوچهری، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۲۷ و ص ۲۰۲.

۶. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، سعید نفیسی، ج ۱، ص

۳۲۸

۷. مقاله دکتر بختیار نخست به انگلیسی نگاشته شد و پس از آن توسط

دکتر عبدالستار طویی به عربی برگردانده شد. در این ترجمان، البته ایراداتی از

نظر ضبط اعلام و اسامی مناطق بلاد چین وجود دارد. همچنین برخی

جملات کوتاه و مختصر شده است. به هر روی من در نقل این قطعه از نوشته

استاد بختیار، عجلتاً به ترجمه حلاجی، دسترس داشتم به مشخصات زیر:

World survey of Islamic Manuscripts, General Editor:

.Geoffrey Roper, London, Al-Furqan, Islamic

Heritage Foundation Volume Four (supplement), pp61-116

المخطوطات الاسلامیة فی العالم، اشرف علی تحریر الطبعة الانجليزية

جیوقری روپر، ترجمه و تحقیق الدكتور عبدالستار الحلوجی، مؤسسة الفرقان

للترات الاسلامی، لندن، ۱۴۲۲ هـ، ۲۰۰۱م، صص ۴۴-۴۳.

۸. برخی اغلاط مطبعی، از دو منبعی که از آنها نقل می‌کنم، باقیاس با

یکدیگر حل شد. ذکر منابع پس از این خواهد آمد.

۹. منظور اشاره به پایان ترجمه مخمس دارد که گوید: بپذیر این ز مولوی

یا مولی النعم.

۱۰. درباره این نسخه‌ها بنگرید: فهرست مشترک نسخه‌های خطی

فارسی پاکستان، احمد منزوی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ج ۷،

صص ۵۲۴-۵۲۵؛ فهرست الفبائی نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش، دکتر

محمدحسین تسبیحی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۸ ش،

ص ۱۰۰.

۱۱. نسیری در کتابخانه‌های هند و پاکستان، عزیزالله عطاردی، انجمن

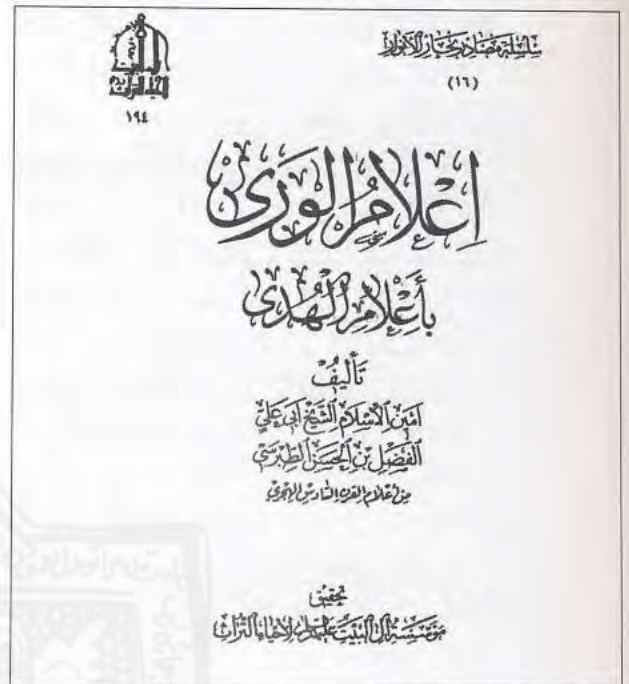
مخطوطات ایران و عطارد، چاپ اول، ۱۳۷۶، صص ۱۷۳-۱۷۲.

جواد بشری



## ۲. اعلام الوری بأعلام الهدی

أعلام الوری بأعلام الهدی / شیخ ابوعلی فضل بن حسین طبرسی، پارسی کرده محمد حسین ساکت.

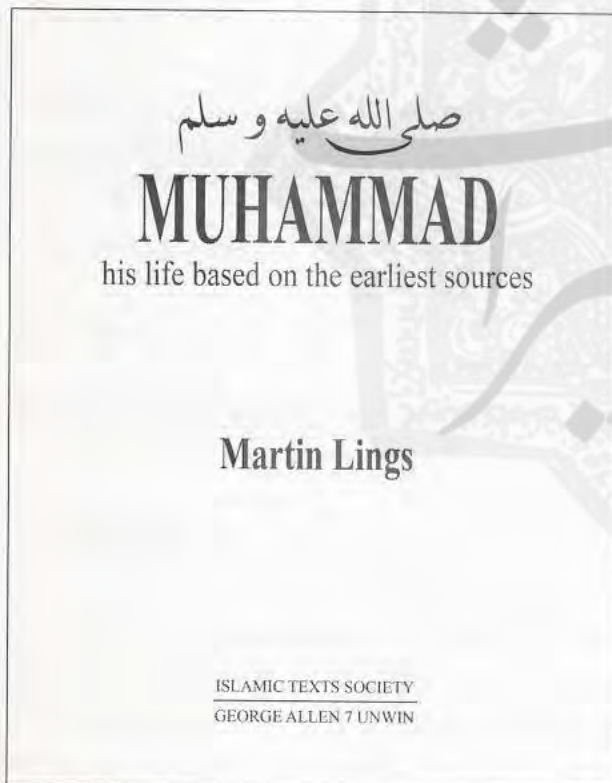


الترات (قم، ۱۴۱۷ هـ / ۱۳۷۵ ش) به چاپ رسیده است. جای خالی ترجمه فارسی کتاب از روی این چاپ انتقادی و ویراسته در زبان فارسی احساس می‌شود. استاد محمدحسین ساکت، مشاور علمی این مرکز، از روی نشر دو جلدی مؤسسه آل البیت، کتاب اعلام الوری طبرسی را ترجمه کرده است که با شرح زندگی نویسنده و وضع فرهنگی روزگار او (سده ششم هجری) از سوی انتشارات اساطیر در آستانه نشر قرار دارد. این ترجمه بی گمان، مورد توجه اهل فضل قرار خواهد گرفت و در سال پیامبر اعظم (ص) روانه بازار نشر خواهد شد.

طبرسی از تفرش بود که در ۵۴۸ هـ. در سبزوار جهان را بدرود گفت و پیکرش را به مشهد آوردند و در جوار بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا (ع) به خاک سپردند.

## ۳. زیست نامه محمد (ص) بر پایه نخستین منابع

زیست نامه محمد (ص) بر پایه نخستین منابع / مارتین لینگز (Martin Lings)، پارسی کرده محمد حسین ساکت.



مارتین لینگز، نویسنده و پژوهشگر انگلیسی، که سال پیش جهان خاکی را بدرود گفت، از پیشاهنگان مکتب سنت گرای حکمت خالده است که پایه گذار آن شواون (Shuon) بود. او پس از یک رشته مطالعات دامنه دار درباره

سیره نویسی و نگارش زندگی نامه‌های پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان شیعه (ع) یکی از شاخه‌های تاریخ نویسی و گزارش نگاری در ادبیات مسلمانان بوده است. دانشمندان مسلمانی هم که رشته پژوهشی شان تاریخ اسلام نبوده است، از گذشته دور برای تبرک و شگون هم که شده دست به نوشتن زندگی نامه پیامبر گرامی (ص) و ائمه اطهار می‌زده‌اند. شیخ ابوعلی فضل بن حسین طبرسی (م: ۵۴۸ هـ) یکی از عالمان بزرگ شیعی در سده ششم هجری است که در تفسیر، حدیث و فقه نامبردار بود. او با الهام از شیخ مفید، زندگانی چهارده معصوم را زیر عنوان اعلام الوری بأعلام الهدی در یک جلد تدوین کرده است. بخش بزرگ کتاب به زندگانی پیامبر اسلام (ص) از تبار، تولد، نبردها و دیگر رخدادهای مهم زندگی آن حضرت تا وفات اختصاص یافته و بخش بعدی درباره زندگانی حضرت فاطمه زهرا (س) و دوازده امام و پیشوای شیعه است.

از متن عربی این کتاب دو چاپ در دست است. یکی، سالها پیش به کوشش مرحوم علی اکبر غفاری که ترجمه فارسی آن به دست حجة الاسلام والمسلمین آقای عزیز الله عطاردی به وسیله انتشارات اسلامی منتشر شده است، و دیگری، متن ویرایشی دو جلدی که به دست تنی چند از دانشمندان قم در سلسله انتشارات مؤسسه آل البیت لاهیه



گزارش میراث

دوره دوم، سال اول، شماره سوم، آذر ۱۳۸۵



اسلام و پس از آشنایی با علوی الجزایری به اسلام درآمد و نام خود را «ابوبکر سراج الدین» نهاد. که بعدها با پافشاری شاگردان و هوادارانش به شیخ ابوبکر سراج الدین شهرت یافت. یکی از چندین کتاب برجاماندهٔ مارتین لینگز، زیست نامهٔ محمد (ص) بر پایهٔ منابع نخستین (Muhammad, his Life Based on the Earliest Sources) است که در ۱۹۸۳ از سوی انتشارات دانشگاه آکسفورد انتشار یافته و به آلمانی ترجمه شده است. ترجمهٔ فارسی این کتاب ۳۵۰ صفحه‌ای در قطع وزیری، به دست استاد محمد حسین ساکت، مشاور علمی مرکز، رو به انجام است که به زودی چاپ و منتشر خواهد شد. این کتاب که به گفتهٔ منتقدان فرنگی، در میان نگاشته‌های انگلیسی زبان بی مانند است، با خوشامد بسیاری روبرو شده است. مارتین لینگز که شاعر با ذوقی هم بود، با نثری شیوا و بررسی موشکافانه و دقت در ریزه‌کاری‌های زندگی پیامبر گرامی اسلام (ص) و با بهره‌گیری از کهن‌ترین نگاشته‌های تاریخی و سیره، زیست نامهٔ حضرت رسول را نگاشته است. تاکنون دو کتاب و یک مقاله از لینگز به فارسی ترجمه شده است که جای ترجمهٔ این کتاب ارزشمند در فارسی، آنهم در سال پیامبر اعظم (ص) بسیار خالی می‌نمود. ترجمهٔ آقای ساکت همراه با زندگی‌نامه و تفکر لینگز، برای خوانندهٔ فارسی زبان فرصت مغتنمی است جهت مطالعه و دریافت زندگی‌نامه‌ای علمی و صحیح از آخرین فرستادهٔ خداوند برای بشریت. متن انگلیسی این کتاب بدون مقدمه، در ۸۵ فصل نگارش یافته است.

#### ۴. شهابی دیگر

جويا جهانشخ

باور کنیم ملک خدا را که سرمدست

باور کنیم سکه به نام محمدست ۱۷

خدای را سپاس می‌گزارم که در سالی که به نام نامی سیدالمرسلین - صلی الله علیه و اله الطاهرین - مزین است، آسمان زندگانی ام «شهاب» باران گردیده و چندیست تصحیح و تحقیق سه متن را پایندان شده‌ام که به لطف خدای تعالی بزودی انتشار خواهد یافت:

۱. ضیاء الشهاب (شرح فارسی شهاب الأخبار، از مؤلفی ناشناس)، با مشارکت استادان محترم، آقایان عاطفی و بهنیا (از کاشان).

۲. ضیاء الشهاب (شرح عربی شهاب الأخبار، از قطب

الدین راوندی - رَفَعَ اللَّهُ دَرَجَتَهُ).

۳. الشَّهَابُ فِي الْحِكْمِ وَالْآدَابِ بَحْرَانِي.

و این هر سه کتاب در روایت و دو کتاب نخست:

درایت احادیث نبوی و سنت مصطفوی (ص) است.

در این مقام، امثال امر سردبیر گزارش میراث را، به سومین کتاب اشارتی می‌کنم. و امید می‌برم نشر سه پژوهش یاد شده هرچه زودتر زمینهٔ گفت و گوئی فراخ دامنه‌تر را دربارهٔ این متنها و اینگونه متون فراهم سازد.

الشَّهَابُ فِي الْحِكْمِ وَالْآدَابِ نام حدیثنامه‌ای است نه چندان کلان که به دست عالمی شیعی از مردمان بحرین، یحیی نام، پرداخته شده و در قالب بخشبندی الفبائی شماری از احادیث نبوی و کلمات منسوب به رسول اکرم - صلی الله علیه و اله - را در بر گرفته است.

هر چند نویسنده در پیشگفتار کوتاه خویش بر کتاب، بدین معنا تصریح نکرده است، به احتمالی قریب به یقین می‌توان گفت که او در پردازش کتاب خویش از نام و ساختار حدیثنامه بلند آوازهٔ قاضی قضاعی، یعنی شهاب الأخبار، الهام گرفته بوده.

طابع الفوائد الرجالیة هی سید بحر العلوم گفته است:

«و الظاهر ان الشيخ یحیی المذکور ذکر ما فی کتاب القضاء و زاد علیه شیئاً مما روتہ الشیعة» (رجال السید بحر العلوم، ۳۱۳/۲).

لیک ظاهر آن است که چنین نیست و میان شهاب قضاعی و شهاب بحرانی، به اصطلاح منطقیان، «نسبت عموم و خصوص من وجه» هست.

شیخ یحیی بحرانی، نویسندهٔ کتاب الشَّهَاب، در پیشگفتار خود از حدیث حفظ «چهل حدیث» و پاداش سترگ آنجهانی آن یاد کرده است و تدوین و نگارش این کتاب را چونان اقدامی در آن راستا قلم داده. البته نه کتاب او «چهل حدیث» است و نه حتی بخشهای الفبائی کتاب (مانند «باب الف موصول» و «باب الف مقطوع» و «باب باء» و...) احتوا بر احادیث چهلگانه دارند. پس در واقع آنچه در این گواهی جستن او را بکار بوده است، استناد به همان پاداش آنجهانی، «حفظ» نوع «چهل حدیث» است.

نویسندهٔ الشَّهَاب، در همان آغاز کتاب، «صحت» احادیث کتابش را پایندان گردیده است، لیک مع الأسف، مبانی این «تصحیح» (صحیح شمردن) بر ما معلوم نیست. بماند که در مواردی به هیچ روشی نمی‌توان با جزم و اعتقادی که وی در این ادعا فرا نموده است، همسو شد.

علی الظاهر الشَّهَابُ فِي الْحِكْمِ وَالْآدَابِ را از مؤلفات



سدهٔ دهم هجری باید قلم داد. از این اثر یک چاپ سنگی و چند دست‌نویست برجاست؛ و اگرچه این کتاب چاپ شده، باز: مع الأسف - جای طبع محقق آن خالی است. بویژه از آن روی که بعضی دست‌نویستهای آن، و از جمله دست‌نویستی که مبنای چاپ سنگی - و موجب اشتها و تداول این کتاب - بوده، محرف و مشوش و مبتلا به سقطات فراوانی است که می‌توان گفت چهرهٔ حقیقی اثر را دگرگون کرده.

الشَّهَابُ فِي الْحِكْمِ وَالْآدَابِ، غالباً با همین چهرهٔ دیگرگون و ضبط نص مشوش در دست دانش پژوهان و جویندگان حدیث بوده. و عجب آنکه از بن گاه با تألیف منیف قاضی قضاعی هم اشتباه گرفته شده است.

گویا همان چاپ سنگی - که در ملاحظهٔ اول و به سبب طرز غریب نگارش صفحهٔ نخست آن، ای بسا با شهاب‌الآخبار قاضی قضاعی اشتباه شود! - در اختیار طابع الحدائق الناضرة محقق بحرانی (شیخ یوسف / متوفای ۱۱۸۶ هـ. ق.) بوده است و او بنا بر درست آن را از قاضی قضاعی پنداشته و به عنوان کتاب قاضی قضاعی بدان ارجاع کرده است!! (نگر: الحدائق الناضرة، ۱۴/۸ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۲۲۴ و ۵۰۵ و: ۱۱۱/۱۳ و ۳۱۸)

طابع مستمسک العروة الوثقی ی مرحوم آیه الله سید محسن حکیم. اءعلی الله مقامه. نیز گویا به چنین سهوی دچار آمده باشد!! (نگر: ۱۸(۴۸۲/۱۴) البتّه در کیستی نویسنده کتاب لختی درنگ روا هست.

پیشوای کتابشناسان متأخر شیعه، علامه حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی - رُوحَ اللَّهِ رُوحَهُ الْعَزِيزَ - که گویا آشنائی اش با این اثر از رهگذر همان چاپ سنگی آن بوده است، نویسنده کتاب را تنها «شیخ یحیی بحرانی» می‌شناساند و آنگاه تصریح می‌کند که فاضل معاصر، شیخ علی بحرانی، در أنوار البدرین احتمال داده است که نویسنده این شهاب همان شیخ یحیی بن حسین بن عشیره ی بحرانی، شاگرد شیخ حسین بن مفلح صیمری (در گذشته به سال ۹۳۳ هـ. ق.) باشد (نگر: الذریعة، ۲۴۷/۱۴).

طابع الفوائد الرجالیة ی سید بحر العلوم نیز الشَّهَابُ فِي الْحِكْمِ وَالْآدَابِ را به همین شیخ یحیی بن حسین بن عشیره [به قول دیگر: عشیره]، تلمیذ شیخ حسین صیمری و شیخ علی کرکی، نسبت داده است (نگر: رجال السید بحر العلوم، ۳۱۳/۲).

در فهرستگان نسخه های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه (۴/۴۸۰ ش ۱۹۸۳) نیز نویسنده کتاب «یحیی بن حسین بن عشیره بحرانی (۹۳۳ ق)» شناسانیده شده است. آقای سید امیررضا عسکری زاده که بهجة الخاطر و نزهة الناظر یحیی بن حسین بن عشیره را تحقیق و تصحیح کرده‌اند، در مقدمهٔ خود بر بهجة الخاطر (مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی - ع. صص ۵ - ۲۴)، هر چند به نقل از بعضی منابع خویش از الشَّهَاب نیز نامی برده‌اند، این کتاب را در فهرست مؤلفات یحیی بن حسین بن عشیره (صص ۱۶ - ۱۸) نیاورده‌اند، و زین رو دانسته نیست عاقبت یگانگی نویسنده الشَّهَاب را با یحیی بن حسین بن عشیره. که از عالمان برجستهٔ روزگار خود بوده، پذیرفته‌اند یا نه.

از یکسو رفعت مقام یحیی بن حسین بن عشیره، با آن استادان نامدار و بویژه با احراز مقام «افتاء» در یزد، آدمی را به تردید می‌اندازد که وی نویسنده الشَّهَاب باشد؛ خصوصاً که ادعای «صحت» مجموع این احادیث از یک مفتی بدورست.

از سوی دیگر، هم نوعی نگاه و جستجوی فقهی در احادیث، در سرتاسر متن جاری است؛ و هم نوعی اهتمام به «تدوین» و «گزینش» و «گردآوری»؛ که هر دو با شخصیت فرهنگی یحیی بن حسین بن عشیره تناسب دارد؛ چه، وی، هم فقیه و مفتی است، و هم - به گواهی فهرست آثارش - علاقه‌مند به تلخیص و فراهم سازی گزیده هائی از متون کلاسیک.

باری، علیرغم پاره‌ای ابهامها، نگارندهٔ این سطور تحقیق و تصحیح الشَّهَاب فِي الْحِكْمِ وَالْآدَابِ را وجههٔ همت قرار دارد و اینک خشنود است که متن انتقادی این اثر را - ان شاء الله الرحمن - بزودی در دسترس أهل فضل و فرهنگ خواهد نهاد و برای نخستین بار «روایتی نزدیک به روایت اصلی و اصیل» کتاب را به خوانندگان و جویندگان حدیثنامه‌ها خواهد سپرد. در این پژوهش، علی الخصوص، نقد و بررسی و ارزیابی برخی روایات این کتاب را که مدعای صحت به قامتشان راست نمی‌آید بجد گرفته‌ام و امیدوارم با کاوش و پژوهش در چنین حدیثنامه‌ها، زمینهٔ بازشناسی بیشتر مجاری و اسباب اشتها و تداول برخی مرویات، روشن و روشن تر گردد.

ایدون باد! بحق سیدنا محمد و اله الأمجاد  
علیه و علیهم السلام

